



مؤسسه مطالعات راهبردی و دیپلماسی دفاعی

Institute of Strategic Studies
and Defence Diplomacy (ISSDD)

ترجمان نظر

مؤسسه مطالعات راهبردی و دیپلماسی دفاعی

نگاه روسیه

به وضعیت حقوقی دریای خزر

بررسی روند تاریخی مذاکرات کشورهای ساحلی خزر، بر سر
موضوع دریای خزر (اواخر قرن بیستم تا اوایل قرن بیست و یکم)

شهریور ماه ۱۴۰۱ • شماره پنجم

مؤسسه مطالعات راهبردی و دیپلماسی دفاعی
وابسته به امور بین الملل ودجا

Institute of Strategic Studies and Defence Diplomacy (ISSDD)



نگاه روسیه به وضعیت حقوقی دریای خزر

بررسی روند تاریخی مذاکرات کشورهای ساحلی خزر، بر سر
موضوع دریای خزر (اواخر قرن بیستم تا اوایل قرن بیست و یکم)

شهریور ماه ۱۴۰۱ • شماره پنجم

موسسه مطالعات راهبردی و دیپلماسی دفاعی
وابسته به امور بین الملل ودجا

نویسنده: پروفسور وارتانیان اِگنارا گایکونا (Вартаньян Эгнара Гайковн)، دکترای علوم
تاریخی، استاد گروه تاریخ عمومی و روابط بین الملل دانشگاه دولتی کوبان روسیه

E-mail: vartaneg@yandex.ru

نگاه روسیه به وضعیت حقوقی دریای خزر

بررسی روند تاریخی مذاکرات کشورهای ساحلی خزر، بر سر موضوع دریای خزر
(اواخر قرن بیستم تا اوایل قرن بیست و یکم)

وضعیت حقوقی دریای خزر تقریباً عقبه‌ای ۳۰۰ ساله دارد. مدت‌ها بود که در حوزه خزر حتی در مناطق دورافتاده جو نسبتاً آرامی حاکم بود اگرچه تلاش‌هایی برای بی‌ثبات کردن اوضاع خصوصاً در جنگ جهانی اول و دوم در این منطقه وجود داشت. در ابتدا، روسیه و ایران در سال ۱۷۲۹ میلادی در چارچوب عهدنامه رشت وضعیت حقوقی دریای خزر را به تصویب رساندند، بر اساس این عهدنامه انتقال مرزها و سرزمین‌های خزر به روسیه مبنی بر آزادی تجارت و دریانوردی روسیه در امتداد نواحی دریای خزر و حوضه‌ی رودخانه‌ی کورا-ارس به رسمیت شناخته شد [۱۰، ص. ۲۸]. در سال ۱۸۱۳ با امضای عهدنامه گلستان حقوق روسیه نسبت به دریای خزر گسترش یافت [۲۶، ص. ۷۲-۷۴] و همچنین در قرارداد ترکمانچای در سال ۱۸۲۸ به روسیه حق انحصاری داشتن نیروی دریایی در دریای خزر داده شد [۱۱، ص. ۴۹۲-۴۹۳؛ ۱۲، ص. ۴۹۴].

در سال ۱۹۲۱ قراردادی بین طرفین امضا شد که به حقوق روسیه در قبال دریای خزر می‌پرداخت، پس از آن در سال ۱۹۴۰ قرارداد تجاری و دریانوردی گسترده‌تری توسعه یافت. طبق قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ دریای خزر بین روسیه یا همان اتحاد جماهیر شوروی و ایران مورد استفاده مشترک قرار گرفت و فعالیت کشورهای ثالث در آن ممنوع شد. بر این اساس رسماً در دریای خزر هیچ مرزی وجود نداشت، اتحاد جماهیر شوروی و ایران از حقوق مساوی برای دریانوردی و ماهیگیری در سراسر منطقه آبی آن برخوردار بودند.

در سال ۱۹۳۴ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در امتداد خط استارا-حسین قلی (قلمرو دریایی شوروی و ایران در مناطق آذربایجان و ترکمنستان مشخص شد، ایران حاکمیت منطقه‌ی جنوبی و شوروی سمت شمالی این خط را داشت) و این تمایز به‌طور ضمنی رعایت می‌شد، اگرچه ایران آن را به رسمیت نمی‌شناخت.

در ادامه ناوگان باری، ترابری و ماهیگیری ایران در دریای خزر توسعه نیافته باقی ماند، زیرا سهم ایران از کل مساحت آبی دریای خزر ۱۲ درصد را به خود اختصاص داده بود و درحالی‌که

این مقاله به مسئله‌ی تقسیم دریای خزر بین پنج کشور روسیه، ایران، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان در دهه‌ی ۱۹۹۰ تا آغاز قرن بیست و یکم می‌پردازد. تأکید می‌شود که دو کشور ساحلی امپراتوری روسیه یا همان اتحاد جماهیر شوروی و ایران طی چندین دهه در سراسر منطقه‌ی خزر دارای منافع مشترک بوده و روابط مسالمت‌آمیزی داشتند؛ در دهه ۱۹۹۰ منطقه خزر به یکی از مراکز ژئوپلیتیکی تبدیل شد.

لازم به ذکر است که هر یک از پنج کشور حاشیه دریای خزر به ایجاد قوانین روشن و پایدار در جهت حفظ تعامل در منطقه، متمایل هستند اما در عین حال منافع ملی خود را فراموش نمی‌کنند. پرواضح است که موانع متعددی برای رسیدن به توافق در مورد تقسیم دریای خزر وجود دارد که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: عدم وجود یک چارچوب قانونی بین‌المللی روشن برای تعیین حدود این دریاچه؛ وجود اختلافات دو جانبه بین تک تک کشورهای منطقه در مورد این مسئله؛ وجود تفاوت در عملکرد هر کدام از کشورهای حاشیه‌ی خزر در مورد مسئله‌ی وضعیت حقوقی دریای خزر و اصولی که برای تعیین حدود این دریا دارند؛ تلاش دولت‌های مختلف این منطقه برای اعمال و برقراری کنترل بر ذخایر مورد مناقشه هیدروکربن و شروع توسعه خود حتی قبل از حل مسائل مربوط به وضعیت حقوقی دریای خزر؛ ضرورت حل این مسائل با توجه به منافع ژئوپلیتیکی و راهبردی کشورهای پیشرو غربی در این منطقه از جهان. در نتیجه‌ی این مشکلات، سران این پنج کشور در پنجمین اجلاس سران خزر در سال ۲۰۱۸ راه‌حل رسمی‌ای را در قالب کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر اتخاذ کرده‌اند.

این کنوانسیون تثبیت‌کننده توافقات حاصله است و در تأیید اصول کلی همکاری‌های پنج‌جانبه بعدی است. اما در این مرحله هنوز هم به‌اندازه کافی مسائل حل نشده در مورد این موضوع وجود دارد که باید در چارچوب اصول و حدود مندرج در کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر به آن پرداخته شود.

کلمات کلیدی: مشکل تقسیم دریای خزر، اصول، کنوانسیون، روسیه، ایران، آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان.

شوروی دارای ۸۸ درصد از مساحت آبی دریای خزر بود [۲۱، ص. ۲].

اتحاد جماهیر شوروی نسبت به اقدام ایران در جهت جذب کشورهای ثالث برای کمک به اکتشاف و تولید نفت، اعتراض کرد. در معاهده‌ی ۱۹۴۰ ایران- شوروی، دریای خزر «حوضه آبی داخلی هر دو کشور» نامیده شد و بنابراین «به روی کشتی‌های خارجی بسته شده است».

بر همین اساس پس از جنگ با آلمان در سال ۱۹۴۵ توافقنامه‌ای ما بین شوروی و بریتانیا با موضوعیت حل و فصل مسائل پس از جنگ و اقدامات مشترک برای تضمین امنیت متقابل، منعقد شد؛ طبق این پروتکل طرفین توافق کردند که از انعقاد زود هنگام پیمان اتحاد با ایران اطمینان حاصل کنند و سیاست خود را در قبال این کشور بسته به موقعیت دولت ایران تعریف کنند [۲۰، ص. ۷].

همان‌طور که می‌بینیم، برای چندین دهه منافع این دو کشور ساحلی، یعنی اتحاد جماهیر شوروی و ایران، به‌صورت مسالمت‌آمیزی در منطقه خزر حاکم بود. خزر موضوع تعامل دوجانبه شوروی-ایران و بعدها روسیه-ایران مشروط به اصول دوگانگی، برابری و انحصار در رسیدگی به مسائل منطقه چه در دوره حکومت شاهان و چه در دوره شوروی بود. مقاله حاضر بر اساس اصول تاریخ‌گرایی و عینیت، روش‌های تاریخی تطبیقی، گونه‌شناسی تاریخی و ژنتیک تاریخی^۱ نگاشته شده است. مبنای تجربی این مطالعه، مطالب مستندی است که امکان ارزیابی عینی مشکلات تقسیم دریای خزر و امکان یافتن راه‌حل‌های مصالحه را فراهم می‌کند.

در ۳۰ سال گذشته، مشکل تقسیم دریای خزر با جدیت بیشتری مطرح شده است، زیرا در حال حاضر در باب تقسیم دریای خزر بین پنج کشور روسیه، ایران، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان مسائلی وجود دارد. در دهه ۱۹۹۰ منطقه خزر به یکی از مراکز ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. دلایل این دگرگونی واضح است، زیرا تا سال ۱۹۹۱ تعدادی از کشورهای حوزه خزر (ترکمنستان، قزاقستان، آذربایجان) بخشی از اتحاد جماهیر شوروی بودند و سیاست خارجی مستقلی را دنبال نمی‌کردند.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای جدید حاشیه دریای خزر متعهد شدند همان معاهدات و توافقات منعقد شده بین شوروی و ایران را بپذیرند، یعنی در این مقطع زمانی، اعتبار وضعیت حقوقی موجود دریا تأیید شد.

اما از آنجایی که استفاده مشترک از دریای خزر در هیچ کجای قراردادهای ایران- شوروی به تفصیل مشخص نشده بود، این

سؤال مطرح می‌شود که با توجه به وضعیت موجود چگونه می‌توان فرصت استفاده از دریا، آب، ثروت بیولوژیکی و منابع معدنی را برای کشورهای ساحلی خزر فراهم کرد [۲، ص. ۵۵-۵۶].

این امر به این معنا است که نیاز به حل و فصل موضوع دریای خزر در میان این پنج دولت ساحلی یعنی آذربایجان، ایران، قزاقستان، روسیه و ترکمنستان وجود دارد.

در حالی که این کشورها به حفظ روابط با یکدیگر تأکید دارند و ارتباط در حوزه‌های مختلف را برقرار ساخته‌اند، اما شاهد روند مذاکرانی طولانی و ادامه‌دار بر سر موضوع دریای خزر هستیم. رهبران کشورهای تازه استقلال یافته پس از شوروی موضوع تقسیم حقوق را برای بهره‌برداری از موهبت‌های دریایی و طبیعت ساحلی مطرح کردند و معتقد بودند که در صورت تقسیم دریا در امتداد خط میانی ذخایر نفتی‌شان چندین برابر افزایش می‌یابد و این اظهارات یعنی، امید به یک رویکرد متمدن برای حل این موضوع توجیه نشده باقی مانده است.

منطقه خزر روی مناقشه‌انگیزی به خود گرفت. در حقیقت اوضاع به این دلیل پیچیده‌تر شد که دولت‌های این منطقه مایل به تقسیم دریای خزر به‌عنوان میراث شوروی سابق، بین خودشان بودند. این امر کاملاً قابل درک است چرا که با در نظر گرفتن این واقعیت که ساختار ذخایر نفتی دریای خزر هنوز به‌اندازه کافی مورد مطالعه قرار نگرفته است و بر آورد مقیاس منابع مختلف این دریا بسیار متفاوت است، می‌توان در نظر گرفت که بستر دریا حداقل چیزی حدود ۴ درصد از ذخایر هیدروکربن جهان را در خود پنهان دارد [۱۹].

ایران اولین کشوری بود که به این تغییرات بنیادی در وضعیت ژئوپلیتیکی منطقه خزر واکنش نشان داد. این کشور در سال ۱۹۹۲ پیشنهاد ایجاد بلوک "کشورهای خزر" در چارچوب یک منطقه تجاری آزاد یا یک مجمع متشکل از اعضا را مطرح کرد. بر اساس این پیشنهاد، یک سازمان همکاری کشورهای حاشیه خزر متشکل از آذربایجان، ایران، قزاقستان، روسیه و ترکمنستان با مرکزیت تهران در همان سال تشکیل شد. این سازمان با هدف مقابله با مشکلات ماهیگیری، حمل و نقل دریایی، حفاظت از محیط زیست، اکتشاف و تولید نفت و گاز دریای خزر در فلات ساحلی تأسیس شد [۲۳، ص. ۱۵].

در سال ۱۹۹۵ موضع کشورها در خصوص تقسیم دریای خزر به دو گروه مشخص تقسیم شد؛ گروه اول، حامیان تقسیم دریای خزر که کشورهای آذربایجان و قزاقستان بودند و گروه دوم، کشورهای حامی استفاده مشترک از خزر که روسیه، ایران و ترکمنستان را شامل می‌شدند.

البته در صورتی که علاوه بر روابط فی ما بین، در هم تنیدگی منافع

۱- یکی از روش‌های اصلی تحقیق تاریخی است، با هدف مطالعه پیدایش(منشأ، مراحل توسعه) پدیده‌های خاص تاریخی و تجزیه و تحلیل علیت تغییرات.

۵۰۰ هزار بشکه نفت خام را بپذیرد.

دلیل اصلی این اقدام ایران کشف یک میدان نفتی غول پیکر در زیر منطقه کم عمق دریای خزر در منطقه‌ی "کاشاقان" در نزدیکی ساحل قزاقستان بود. این سپرده به عنوان یکی از بزرگترین کاوش‌ها در دهه‌های اخیر جهان بود [۳، ص. ۱۴۳]. با این حال دولت‌های ساحلی با برابری بخش‌ها موافق نبودند، به ویژه کشور آذربایجان که باید بخشی از منطقه خود را به ایران واگذار می‌کرد. اوضاع در دریای خزر به دلیل اختلاف میادین نفتی هر از گاهی تشدید می‌شود برای مثال می‌توان به حادثه مسلحانه در دریا بین ایران و آذربایجان در ماه جولای سال ۲۰۰۱ اشاره کرد [۲۲، ۲۷].

دولت ایران اقدامات آذربایجان را در خصوص کار بر روی میدان گازی اراز-الوف-شرق را قبل از تعیین حدود دریای خزر کاملاً غیر قانونی تلقی کرد. در این میان، روسیه از جمهوری آذربایجان و ایران خواست تا با روحیه حسن همجواری رفتار کنند، خرد و خویشتن‌داری نشان دهند و برای رفع تنش‌ها گفتگوی مستقیم انجام دهند و یک راه حل عادلانه، منطقی و در عین حال دو جانبه پیدا کنند [۶، ص. ۲۵]. حیدر علی اف، رئیس‌جمهور آذربایجان نیز به نوبه خود تأکید کرد که زمین شناسان آذربایجانی این میدان گازی را در اوایل سال ۱۹۴۹ کشف کرده‌اند [۱۳]. در همین راستا، شرکت نفت بریتانیایی بریتیش پترولیوم کار در دریای خزر در حوزه‌ی آذربایجان را تا زمان حل مناقشات به حالت تعلیق درآورد.

شرکت بریتیش پترولیوم اپراتور مطالعه سه سازه فراساحلی در دریای خزر در منطقه‌ی آذربایجان و در میدان گازی اراز-الوف-شرق بود [۹]. به طور کلی، برای کشورهای اروپایی که نیازشان به نفت هر سال در حال افزایش است، پتانسیل انرژی دریای خزر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در نتیجه، کشورهای اروپایی و آمریکا در تلاش برای نفوذ فعال در منطقه هستند و برای این منظور از برنامه‌های مختلف اقتصادی، علمی و آموزشی که برای تضمین عمومیت و اشاعه ارزش‌های اروپایی طراحی شده‌اند، استفاده می‌کنند.

ایران نیز در تابستان ۲۰۱۲ میدان گازی به حجم ۲ میلیون بشکه و حدود ۵۰ میلیارد متر مکعب در محدوده خودش اکتشاف کرد. به این ثروت باید ماهیان خاویار ایرانی که یکی دیگر از ثروت‌های جمهوری اسلامی ایران است، افزود [۴].

ایران آماده بود تا گزینه‌های دیگر در موضوع تقسیم دریای خزر را بررسی کند و در ازای دریافت امتیازاتی در تعیین مسیرهای انتقال مواد خام هیدروکربنی و مشارکت در قراردادهای استخراج نفت و گاز خزر مصالحه کند؛ اما آذربایجان به شدت به موضع تقسیم بخشی پایبند است.

و تضادها را در نظر بگیریم، می‌توان با توجه به ساختار ژئوپلیتیک گروه‌های زیر را دسته‌بندی کرد: ۱) آذربایجان - کشورهای غربی - ترکیه؛ ۲) ترکمنستان - ایران - روسیه؛ ۳) قزاقستان - ترکمنستان؛ ۴) روسیه - کشورهای غربی - ایران - قزاقستان - ترکمنستان [۲۱، ص. ۵]. اما در سال‌های بعد تغییرات خاصی در این گروه‌ها رخ داد. مثلاً، به تدریج اولویت‌های قزاقستان به سمت روسیه متمایل شد و در سیاست این کشور یک تغییر قابل توجه از غرب به شرق (و رویکردی به سمت آسیا) به وجود آمد. مشکل دیگری که باعث رقابت شدید در منطقه خزر می‌شود، مشکل خطوط لوله نفت است. این بر منافع بسیاری از کشورها از جمله کشورهای روسیه، ایران، ترکیه، ارمنستان، گرجستان، یونان و بلغارستان که ترانزیت نفت از طریق قلمرو آنها امکان‌پذیر است تأثیر می‌گذارد. کشورهای غربی نیز که به دنبال نفوذ در تصمیم‌گیری‌های انتخاب مسیرهای خط لوله نفت بودند نیز از پای ننشستند؛ بنابراین می‌توان گفت که مصالح اقتصادی با تنظیم وضعیت دریای خزر ارتباط تنگاتنگی دارد.

روسیه که قدرت اقتصادی و نظامی سابقش را در دهه ۱۹۹۰ از دست داده بود، شروع به تثبیت موقعیتش نمود و در سال ۱۹۹۶ کنوانسیون ویژه‌ای درباره وضعیت حقوقی دریای خزر ایجاد کرد. پیش‌نویس کنوانسیون بر اساس گزینه تقسیم کف دریای خزر تنظیم شده بود [۱۸]. با این حال، در این مورد هیچ تصمیمی نهایی نشد. در سال ۱۹۹۸ روسای جمهور روسیه و قزاقستان توافقنامه‌ای را امضا کردند که بر اساس این توافق کف دریای خزر در امتداد خط میانه تقسیم شود و بخش قابل توجهی از منطقه مورد استفاده مشترک باقی بماند.

اما ایران موافق این وضعیت نبود. در نتیجه رؤسای جمهور ایران و ترکمنستان با استناد به معاهده بین ایران و روسیه در سال ۱۹۲۱ و پیمان تجارت و نوابری بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سال ۱۹۴۰ بیانیه‌ای در مورد لزوم رعایت اصل توافق بین همه کشورهای حاشیه خزر در مورد کلیه موضوعات مربوط به وضعیت حقوقی دریای خزر را امضا کردند [۲۴، ص. ۴-۵].

ایران طرفدار استفاده مشترک هر پنج کشور ساحلی خزر از دریا و منابع آن بود؛ اما چون این پیشنهاد هیچ راه حل اجرایی نداشت گزینه‌ی پیشنهادی و تکمیلی دیگری ارائه کرد که بر اساس آن تقسیم دریای خزر به بخش‌های ملی با تقسیم مساوی بین پنج کشور ساحلی بود؛ یعنی ۲۰ درصد از مساحت و کف دریا بین همه‌ی کشورهای ساحلی تقسیم شود. ایران سعی کرد اطمینان حاصل کند که آذربایجان و قزاقستان و ترکمنستان نفت و گاز را به خاک این کشور صادر می‌کنند. این سرزمین در همان زمان اعلام کرد که بازار ایران می‌تواند به صورت تضمین شده، روزانه

تعیین حدود بخش‌های ملی باشد، اجرای پروژه‌های نفت و گاز در دریای خزر را آغاز کرد. بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت وقت در ۲۶ فوریه ۲۰۰۲ این خبر را اعلام کرد: "موضع ما کاملاً روشن است: ما منتظر روشن شدن مسئله حقوقی دریای خزر نخواهیم بود. ما بر اساس درک خودمان از قانون‌مندی، شروع به عمل می‌کنیم و به کسی اجازه نمی‌دهیم در آن بخش از دریا که ما آن را متعلق به خود می‌دانیم، اقدام کند" [۱۴].

این بیانیه حاکی از آن است که محافل حکومتی ایران هنوز موضع نهایی خود را در خصوص گام‌های بعدی در استفاده از ثروت خزر ایجاد نکرده‌اند، به‌ویژه اینکه اقدامات آذربایجان در دریای خزر، ایران را به فعالیت در این جهت تحریک کرده است.

در آوریل ۲۰۰۲ اولین نشست کشورهای خزر در عشق‌آباد به پایان رسید. قزاقستان و روسیه پیشنهاد کردند که کف دریای خزر را طبق اصل "تقسیم کف و اشتراک آب" تقسیم کنند و همین‌طور سطح دریا باید مشترک باشد که بعدها بتوانند با توافق طرفین اصلاحاتی ایجاد کنند؛ بنابراین اصل آذربایجان ۲۰ الی ۲۱٪، قزاقستان ۲۹٪، روسیه ۱۹٪، ترکمنستان ۱۷ الی ۱۸٪ و ایران ۱۴٪ از پایین دریای خزر را دریافت می‌کنند. در مورد میادین نفتی و گازی مورد مناقشه پیشنهاد شد که بر اساس اصل "۵۰-۵۰" تقسیم شوند.

بنابراین اصل، قرار شد ۴۰ مایل به حوزه قضایی هر منطقه منتقل شود؛ اما ایران گزینه‌ی دیگری پیشنهاد داد مبنی بر اینکه یا از دریا به‌طور مشترک بر اساس اصل کاندومینیوم^۱ استفاده شود، یا با در نظر گرفتن ۲۰ درصد از کف و مساحت آب برای هر کشور، آن را به‌طور مساوی تقسیم کنند. وی همچنین با توسعه فعال منابع انرژی خزر قبل از تعیین وضعیت حقوقی دریای خزر مخالفت کرد.

واضح است که ایران از پیشنهاد اکثریت شرکت‌کنندگان در این اجلاس راضی نبود زیرا طبق طرح خط میانه کمترین حدود را دریافت می‌کرد؛ به‌علاوه بر اساس برخی برآوردها از نظر منابع هیدروکربنی در بخش نه‌چندان غنی واقع شده بود. ترکمنستان همچنین ادعاهای خود را در مورد میادین آذری-چراغ-گونشلی که با آذربایجان مورد اختلاف بود، بیان کرد. از این رو، در این وضعیت، شرکت‌کنندگان در اجلاس حتی قادر به اتخاذ و ارائه یک سند نهایی که بیانگر نقطه نظرات مشترک باشد، نبودند. با وجود این واقعیت برگزاری چنین رویدادی با مشارکت سران تمام کشورهای حاشیه خزر از اهمیت سیاسی زیادی برای توسعه روند مذاکرات برخوردار بود.

بنابراین، بیانیه نتایج حاصل از این نشست امضا نشد؛ زیرا

آذربایجان مدت‌هاست که دریای خزر و حوزه‌ی مجاورتی خود، اعم از کف و آب را یک بخش کاملاً ملی اعلام کرده و اقداماتش را کاملاً یک‌جانبه پیش می‌برد.

با این حال، اختلافات جدی بین ترکمنستان و آذربایجان در موضوع مرزهای تقسیم بخشی وجود دارد. همچنین ترکمنستان برای مدت طولانی در حال توسعه بخش‌های دریایی‌اش از دریای خزر است و آن را متعلق به خود می‌داند.

موضع قزاقستان منعطف‌تر است، به‌ویژه که معتقد است که فقط بستر دریا باید تقسیم شود و فضای آب باید در استفاده مشترک باقی بماند. در ابتدا، روسیه از حفظ اصل استفاده مشترک از دریا حمایت می‌کرد، اما با عدم حمایت تعدادی دیگر از شرکت‌کنندگان در مذاکرات، تنظیمات خاصی را در موقعیت خود انجام داد: در مرحله اول بیان داشت، کف و منابع آن بر اساس خط میانه اصلاح‌شده، تقسیم شود و آب در مالکیت مشترک و بدون مرز باقی بماند [۲۵، ص. ۲۲].

موانع متعددی در راه رسیدن به توافق بر سر تقسیم دریای خزر وجود دارد؛ که می‌توان به عدم وجود یک چارچوب حقوقی بین‌المللی روشن برای تعیین حدود دریا؛ وجود اختلافات دوجانبه بر سر این موضوع بین یکایک دولت‌های منطقه؛ تفاوت‌های قابل توجه در رویکردهای تک تک دولت‌های خزر در مورد وضعیت حقوقی دریای خزر و اصول تحدید حدود آن؛ تلاش هر کدام از کشورهای ساحلی برای ایجاد کنترل واقعی بر ذخایر هیدروکربنی مورد مناقشه و آغاز به کار توسعه و به‌کارگیری از این منابع قبل از حل مسائل مربوط به وضعیت و تعیین حدود دریای خزر و در آخر وابستگی و درهم تنیدگی قابل توجه حل این مسائل به منافع ژئوپلیتیکی و راهبردی کشورهای پیشرو غربی در این منطقه از جهان اشاره داشت [۶، ص. ۲۵].

در ژانویه ۲۰۰۲ نشست دو روزه معاونان وزرای خارجه پنج کشور ساحلی خزر در مسکو به پایان رسید و در نتیجه طرفین توافق کردند که کارشناسانی از هر پنج کشور کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر را تدوین کنند. ترکمنستان با گروه اکثریت (روسیه، آذربایجان و قزاقستان) همسو گشته و درصدد تأیید آن‌ها برآمد. این کشورها معتقد هستند که لازم است برای ادامه روند توافقات از اصل امتداد مرزهای خاکی و با ترسیم خط میانه دریاچه پیروی کرد.

در کل موضع رسمی ایران تغییری نکرد اما دولت ایران توجه بیشتری به چشم‌انداز توافق با چهار کشور دیگر دارد. ایران امکان تعریف مرز دریایی با آذربایجان را بررسی کرده است که به‌طور غیرمستقیم نشان دهنده توانایی ایران برای نرم کردن مواضع خود در این مسئله است [۱].

در پایان فوریه ۲۰۰۲ ایران، بدون اینکه منتظر توافق در باب

۱- اصل حاکمیت مشاع

تضادهای زیادی هم در مورد وضعیت حقوقی دریای خزر و هم در مورد توسعه میادین نفتی، بین طرفین مذاکره وجود داشت [۵].

با گذشت بیش از ده سال بحث و مذاکره تا سال ۲۰۰۷ تنها نیمی از موضوعات و مسائل در مورد پیش‌نویس کنوانسیون ۱۹۹۶ مورد توافق قرار گرفت. در واقع، بسیاری از توافق‌نامه‌های منعقد شده توسط کشورهای همسایه در قالب توافقات دو جانبه با یکدیگر هماهنگ نبودند، بنابراین موضوع وضعیت حقوقی و تعیین مالکیت همچنان بحث برانگیز است.

شایان ذکر است قراردادهایی که قبل و بعد از اجلاس ۲۰۰۲ بین آذربایجان، قزاقستان و روسیه شکل گرفته عبارتند از: (۱) دستور اعمال حقوق حاکمیتی در استفاده از کف زمین، مورخ ۶ ژوئیه ۱۹۹۸ و همچنین پروتکل ۱۳ مه ۲۰۰۲ در باب موافقت‌نامه جمهوری قزاقستان و فدراسیون روسیه در مورد تحدید حدود کف بخش شمالی دریای خزر در سال ۲۰۰۲ را امضا و تصویب کردند. (۲) موافقت‌نامه بین جمهوری قزاقستان و جمهوری آذربایجان در مورد تحدید حدود کف دریای خزر بین قزاقستان و آذربایجان در تاریخ ۲۹ نوامبر ۲۰۰۱ و پروتکل آن در ۲۷ فوریه ۲۰۰۷ به تصویب رسید. (۳) موافقت‌نامه بین جمهوری قزاقستان، جمهوری آذربایجان و فدراسیون روسیه در مورد تلاقی خطوط تحدید حدود بخش‌های مجاور کف دریای خزر مورخ ۱۴ مه ۲۰۰۳. در نتیجه‌ی این قراردادها این سه کشور طبق اصل خط میانه، مرزهای دریایی خود را مشخص کردند. روسیه و قزاقستان همچنین در مورد تقسیم و توسعه مشترک میادین نفتی مورد مناقشه از جمله میادین نفتی کورمانگازی، تسینترالنی و خوالینسکایه توافق کردند. اولین بار آن‌ها به حوزه قضایی قزاقستان رفتند و سپس هر دو کشور در روسیه دیدار داشتند.

بدین ترتیب قسمت شمالی دریای خزر تقسیم شد در حالی که قلمرو جنوبی دریا همچنان نامشخص است و منافع عشق‌آباد، باکو و تهران درهم آمیخته است. برای قزاقستان چالش تنها به بخش تعریف نشده از مرزهای دریایی‌اش با ترکمنستان برمی‌گردد. در عین حال تاکنون هیچ اختلاف و درگیری در این مورد بین دو کشور وجود نداشته است. از طرفی ایران از توافق‌نامه‌های فوق انتقاد کرد و اصرار داشت که موضوع خزر منحصرأ در چارچوب پنج‌جانبه حل شود.

دومین نشست خزر در اکتبر ۲۰۰۷ در تهران برگزار شد و نهایتاً با امضای توافق‌نامه‌ای به پایان رسید. طرفین با حفظ نظر خود در مورد تقسیم دریای خزر به درک لزوم توسعه و تصویب مشترک کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر به‌عنوان یک سند اساسی رسیدند. همچنین توافق کردند که تنها زیر پرچم این

پنج کشور ساحلی حقوق حاکمیتی استفاده از دریا، منابع، بخش ناوبری، ماهیگیری و کشتی‌رانی تعریف شود. این مقررات مبنی بر استفاده صلح‌طلبانه از دریای خزر و جلوگیری این پنج کشور از استفاده سایر کشورها برای اهداف تجاوزگرانه و سایر اقدامات نظامی علیه هر یک از این پنج کشور اهمیت یافت.

سومین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر در نوامبر ۲۰۱۰ در باکو برگزار شد که برخلاف اجلاس‌های قبلی نتایج آن این امکان را به ما می‌دهد که از پیشرفت جدی پنج کشور در جهت حل مسئله خزر مبنی بر تقسیم خزر صحبت کنیم.

شرکت‌کنندگان حاضر در سومین اجلاس تصمیم گرفتند؛ اولاً در طی سه ماه به ادارات مربوطه دستور دهند که در مورد عرض منطقه ملی بر اساس اصل ۲۴ الی ۲۵ مایل بحث و توافق کنند و با در نظر گرفتن حاکمیت کشورهای، منطقه ساحلی را گسترش دهند (در این مورد منظور عرض و کمربند دریایی ملی است)؛ دوم، برگزاری اجلاس سران کشورهای حاشیه خزر به‌صورت منظم و سالیانه و ادامه فعالیت کارگروه‌های موقت در زمینه تدوین کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر و برگزاری دیگر جلسات در سطح نمایندگان وزارتخانه‌های امور خارجه پنج کشور (این امر باعث تشدید روند مذاکرات می‌شود)؛ سوم، رؤسای جمهور پنج کشور توافق بر همکاری در زمینه امنیت در دریای خزر را که مبنی بر مبارزه با تروریسم، جرائم سازمان‌یافته، قاچاق سلاح، مواد مخدر و فناوری‌های هسته‌ای، توقیف کشتی، مهاجرت غیرقانونی، استخراج غیرقانونی از منابع بیولوژیکی و غیره بود را امضا کردند. اگرچه این مسائل به همکاری‌های نظامی مربوط نمی‌شود اما در آینده سعی می‌شود سیستمی برای تضمین امنیت جمعی در منطقه خزر تشکیل شود؛ چهارم، مسائل مهم زیست‌محیطی است، از جمله مذاکره بر سر پروتکل‌های کنوانسیون حفاظت از محیط‌زیست دریای خزر که در سال ۲۰۰۳ تصویب شده بود دیگر بار مورد توجه کشورهای قرار گرفت. علاوه بر این شرکت‌کنندگان از پیشنهاد نظریات، رئیس‌جمهور قزاقستان حمایت کرده و تصمیم گرفتند ظرف سه ماه به ادارات مربوطه دستور دهند مکانیسمی مبنی بر مهلت قانونی صید پنج‌ساله گونه‌های مختلف ماهیان خاویاری در دریای خزر را مورد بحث و بررسی قرار دهند [۱۵].

البته تمرکز و توجه کشورهای حاشیه خزر نه تنها بر تعیین وضعیت حقوقی و اجرای تقسیم دریا بلکه بر توسعه همکاری‌های چندجانبه در حوزه‌های مختلف از جمله، حوزه زیست محیطی، پیمایشی و امنیتی و دیگر حوزه‌ها بود. علاوه بر این می‌توان به حفظ حسن همجواری که به توسعه همکاری سازنده در منطقه خزر کمک می‌کند، اشاره کرد. همچنین لازم به ذکر است که این کشورها به‌صورت انفرادی در باب اوضاع این منطقه،

بود که به امضای همه کشورهای حوزه خزر رسید و اعلامیه به تصویب رسید. بر اساس این اعلامیه، بیشتر دریای خزر در استفاده مشترک طرفین باقی می‌ماند. از این رو، سوءتفاهم و تنش‌ها در روابط بین دول که قبلاً به دلیل تفسیرهای مختلف از حقوق آبی خزر می‌توانست به وجود آید، منتفی شد. به همین دلیل، اکنون غیرممکن است که دولتی به‌طور ناگهانی دریای خزر را دریاچه اعلام کند و رژیم آبی را به‌طور کامل تغییر دهد و با اقداماتی اوضاع را متشنج کند. حسن روحانی رئیس‌جمهور وقت ایران در این خصوص خاطرنشان کرد: خزر یک دریای بسته است، بنابراین تصمیم‌گیری در مورد آن تنها با اجماع نظر امکان‌پذیر است؛ در نهایت تصریح کرد که حق استقرار نیروهای مسلح در دریای خزر تنها برای کشورهای ساحلی مقرر شود.

همچنین تصمیمی مبنی بر تحکیم ۱۵ مایلی حاکمیت ملی هر کشور در منطقه ساحلی اتخاذ شد [۸]. این تصمیم نقطه شروعی برای حل مشکل خزر در آینده خواهد بود و بر این اساس احتمالاً می‌توان طرحی برای تقسیم منابع طبیعی داخلی دریای خزر ایجاد کرد. این اجلاس مشکل تقسیم خزر را حل نکرد، اما بدیهی است که بدون همکاری‌های طولانی مدت و مؤثر بین کشورهای ساحلی خزر، راه حلی برای مشکل تحدید حدود خزر پیدا نمی‌شود. با پیشنهاد نور سلطان نظربایف رئیس‌جمهور وقت قزاقستان مبنی بر ایجاد منطقه آزاد تجاری در دریای خزر گامی رو به جلو در این مسیر برداشته شد. باز توزیع منابع خزر هنوز از نظر قانونی صورت نگرفته است، اکنون اختلاف بر سر نحوه تعیین بخش‌ها و اصول توسعه منابع دریایی وجود دارد.

لازم است وضعیت حقوقی و رژیم حقوقی خزر در قالب یک سیستم نظارتی عمومی و مجموعه‌ای از هنجارهای حقوقی تنظیم شده و قابلیت اجرایی آن بررسی شود. فقدان موضع توافقی در مورد وضعیت حقوقی این دریای نفت‌خیز، موانع جدی بر سر راه توسعه گسترده ثروت‌های آن ایجاد می‌کند.

به‌طور رسمی مشکل تقسیم دریای خزر بین پنج کشور ساحلی در سال ۲۰۱۸ در پنجمین اجلاس خزر در قالب کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر حل شد که مظهر توسعه تعامل پنج طرفه است. این کنوانسیون یک نقطه عطف اساسی در توسعه منطقه خزر است و نشان دهنده تثبیت توافق‌نامه‌های به‌دست آمده و اصول کلی همکاری‌های پنج‌جانبه بیشتر را تصویب می‌کند [۱۶]. اقدام پنج کشور ساحلی بیانگر امکان دستیابی به امتیازات متقابل و مصالحه بود، این اقدام تصمیمی بود که پایان دادن به مسائل گذشته و رسیدن به مرحله جدیدی از همکاری‌های بین‌دولتی را نشان می‌داد. در حال حاضر تعبیری روشن از تعریف وضعیت حقوقی خزر به‌عنوان «دریا» مطابق با اصول مندرج در کنوانسیون

مسئولیت‌هایی بر عهده دارند.

پس از این، روند اجرای توافق‌نامه‌های حاصل از اجلاس سوم به دلایل مختلف متوقف شد. در پی این شرایط در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ میلادی هیچ اجلاسی در این خصوص برگزار نشد. قزاقستان نیز به‌طور یک‌جانبه و مستقل، پیشنهاد خود مبنی بر تعلیق پنج‌ساله صید ماهیان خاوریاری را اجرا می‌کند.

در نهایت هیچ سازوکار بین دولتی متمرکز مبنی بر اجرای توافق‌نامه همکاری در زمینه امنیت دریای خزر و اطمینان از تعامل کشورهای خزر در حوزه‌های کلیدی وجود ندارد. ایده ایجاد سازمان همکاری‌های اقتصادی کاسپین نیز بدون نتیجه باقی ماند. در اجلاسی که در زمان محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور وقت برگزار شد، روسیه برای ترویج و ایجاد محبوبیت این ایده اقدامات فعالانه‌ای صورت داد. موضوع ایجاد سازمان همکاری‌های اقتصادی کاسپین در طول کنفرانس بین‌المللی اقتصادی در اکتبر ۲۰۰۸ در آستراخان به‌طور ویژه‌ای مورد بررسی واقع شد؛ در طول بیست و چهارمین جلسه کارگروه موقت که ۲۳-۲۴ دسامبر همان سال در آستانه برگزار شد، قزاقستان حمایت و تصمیم خود را مبنی بر شرکت در سازمان همکاری‌های اقتصادی کاسپین اعلام کرد [۱۵].

با این حال، بعدها هیچ گام مثبت و مشخصی در این راستا مشاهده نشد، اگرچه ایجاد سازمان همکاری‌های اقتصادی کاسپین می‌تواند علاوه بر جنبه‌ی اقتصادی، اهمیت سیاسی نیز داشته باشد. به‌ویژه در چارچوب آن، کشورهای حاشیه خزر با جدیت بیشتری مسائل مورد مناقشه، از جمله مسائل مربوط به میداین مرزی نفت و گاز را حل و فصل کنند و مواضع خود را در ابعاد مختلف به هم نزدیک‌تر سازند.

در حال حاضر در روند تعامل کشورهای خزر تمرکز اصلی بر روی برگزاری جلسات دوره‌ای است. بدیهی است که هر یک از کشورهای خزر علاقه‌مند به ایجاد قوانینی در راستای تعامل روشن و پایدار در منطقه خزر هستند اما در عین حال منافع ملی خود را فراموش نمی‌کنند.

مثلاً خط گسل ژئوپلیتیکی دریای خزر که به جهت منشور خطوط لوله نفت کشیده و تعیین شده است، بدین شرح است: از یک سو خطوط لوله قزاقستان - روسیه (کنسر سیوم خط لوله کاسپین) و از سوی دیگر خطوط لوله آذربایجان - ترکمنستان (خط لوله باکو-تفلیس-جیحان). در عین حال مشارکت قزاقستان در هر دو مسیر خط لوله نفت می‌تواند تنش‌زا باشد زیرا این نفت است که برای گسترش خط لوله کنسر سیوم خزر مورد نیاز است.

در سپتامبر ۲۰۱۴ آستاراخان میزبان چهارمین اجلاس سران خزر بود که تمامی کشورهای حوزه دریای خزر در آن حضور داشتند. مفاد اصلی بر مبنای تنظیم یک بیانیه سیاسی جدید

حال، ما متقاعد شده‌ایم که ضامن شکوفایی این منطقه‌ی مشترک، پایبندی دقیق به اصول مندرج در کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر خواهد بود.

در ادامه «قاسم تو کایف» رئیس‌جمهور قزاقستان در سخنان خود به نتایج آخرین اجلاس سران در سال ۲۰۱۸ پرداخت و خواستار اجرایی شدن سریع کنوانسیون حقوقی دریای خزر شد. در آخر به موازینی که روسای جمهور بر آن تأکید داشتند می‌پردازیم:

اولاً استفاده از دریای خزر برای اهداف صلح‌آمیز؛ تبدیل آن به منطقه‌ای صلح‌آمیز با برقراری رابطه‌ای دوستانه و همکاری در جهت حل و فصل همه مسائل مربوط به دریای خزر با راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز.

ثانیاً توافقی در مورد "توسعه نظامی در حد کفایت و معقولانه" حاصل شد. این بدان معناست که در صورت فعالیت نظامی هر کدام از این پنج کشور، باید منافع همسایگان در نظر گرفته شود و امنیت ملی آن‌ها را تهدید نکند.

همه‌ی پنج عضو خزر به ایجاد هماهنگی در اقدامات و فعالیت‌های نظامی به‌منظور ایجاد روحیه‌ی پیش‌بینی و اعتماد بین اعضا، تمایل داشتند.

آنان همین‌طور در باب مسائلی چون ایجاد هاب غذایی و گروه‌های کارشناسی برای مبارزه با کم عمق شدن دریای خزر و اهمیت توسعه اقتصادی و حفظ عوامل زیست‌محیطی این دریا صحبت کردند.^۱

منابع

1. Азербайджан. Нефть Каспия // Известия. – 25 – 2002 января.
2. Вартаньян Э.Г. Каспийский регион: проблемы и решения // Грани. – Краснодар: КубГУ, 2002. №
3. Вартаньян Э.Г. Пути решения Каспийской проблемы (-1990е – 2014 гг.) // Голос минувшего. Кубанский исторический журнал. – № – 2016 2-1.
4. Волков К. Каспий становится полигоном для военных амбиций // Известия. – 25 – 2012 сентября.
5. Григорьева Е., Новопрудский С. Пять президентов отказались делить Каспийское

۲۰۱۸ وجود دارد که از نظر ثبات در منطقه بسیار مهم است، زیرا کلید اصل همکاری منطقه‌ای در زمینه امنیت منطقه‌ای مورد توافق قرار گرفته است [۲۸].

درک وضعیت حقوقی شامل فاش بودن ماهیت روابط بین دول از طریق درک متقابل این پنج کشور از حقوق و تعهدات خود است که در مسئله‌ی دریای خزر، تعامل در چارچوب تصویب توافقی‌نامه‌ها و روابط چندجانبه در زمینه‌های مختلف، منعکس می‌شود.

به‌علاوه کنوانسیون، بستری را برای توافقات دو و سه‌جانبه بین کشورهای ساحلی فراهم می‌کند که انعطاف‌پذیری شرایط را از پیش تعیین می‌کند و فرصتی برای در نظر گرفتن شرایط و گزینه‌های جایگزین ایجاد می‌کند.

احتمالاً چنین قالبی از توافقات به شفافیت مشارکت بین دول کمک خواهد کرد؛ و اولین نوع سنجش برای کیفیت روابط و آمادگی برای اجرای توافقات، تصویب موافقتنامه‌ها و بالاتر از همه کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر توسط کشورهای امضاکننده است. این روش به‌عنوان یک اقدام قانونی ضروری عمل می‌کند و همچنین نشان دهنده به رسمیت شناختن و آمادگی برای پیگیری و اقدام در چارچوب تصمیمات مشترک اتخاذ شده است.

البته در این مرحله هنوز هم به‌اندازه کافی مسائل حل نشده وجود دارد که باید در چارچوب اصول و حدود مندرج در کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر حل و فصل شوند.

سخن مترجم

اجلاس ششم سران کشورهای حاشیه دریای خزر در بازده تاریخی مورد بررسی نویسنده مقاله حاضر گنجانده نشده است از این رو برای بررسی و دریافت دیدی جامع‌تر سعی شده تا رئوس مطالب بررسی شده در اجلاس ششم به‌طور مختصر بیان گردد: این اجلاس در ۲۹ ژوئن ۲۰۲۲ در عشق‌آباد پایتخت ترکمنستان برگزار شد. رئیس‌جمهور روسیه ولادیمیر پوتین، خواستار تقویت همکاری بین «پنج کشور ساحلی دریای خزر» در حوزه اقتصاد و امنیت شد. وی در بخشی از سخنان خود بر اهمیت توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل و لجستیک منطقه (کریدور بزرگ حمل و نقل شمال- جنوب به طول بیش از ۷۰۰۰ کیلومتر که سنت پترزبورگ را به شهرهای ایران و هند متصل می‌کند)، اشاره کرد. وی اظهار داشت: «روسیه به‌طور مداوم از تعمیق مشارکت بین پنج اعضای دریای خزر در سیاست، امنیت، اقتصاد، محیط‌زیست و همچنین در بسیاری از جنبه‌ها که در دستور کار بشردوستانه قرار دارند، حمایت کرده است. در عین

1- <https://www.gazeta.ru/politics/2022/06/29/15056390.shtml?updated>

мир и юг России: прошлое и современные перспективы. – 2 № – .2004.

18. Назарбаев Н. Как попытаться поделить Каспий // Известия. – 4 – .2002 окт.

19. Рубинов И. Нефть, которую мы теряем // Эксперт. – № 01.11.2004. (441)41.

20. Савин И.С., Рахмонов Ф.Х. Проблема разграничения акватории Каспийского моря в условиях неопределенности его международно-правового статуса: историческая ретроспектива и современное состояние URL: <https://cyberleninka.ru/article/n/problema-razgranicheniya-akvatoriikaspiyskogomorya-v-usloviyah-neopredelennosti-ego-mezhdunarodnopravovogo-statusa-istoricheskaya> (дата обращения: 2021 .8.11).

21. Складов Л. Каспийский регион. Сотрудничество или соперничество // ААС. – 10 № – .1996.

22. Степанов Г. Враждебные полеты. Гейдар Алиев призывает соседей проявить благоразумие // Известия. – 3 – .2001 августа.

23. Старченков Г. Станет ли Каспий морем раздора // ААС. – 12 № – .1994.

24. Старченков Г. Страсти вокруг Каспия // ААС. – 1 № – .1999.

25. Старченков Г. Как поделить озеро–море // ААС. – 12 № – .2001.

26. Трактат, заключенный в Гюлистане 12 октября 1813 г. // Новая история Ирана. Хрестоматия. – М., 1988.

27. Чародеев Г. Иранские ВМС угрожали оружием азербайджанским нефтяникам // Известия. 25.2001 июля.

28. Ballard B. More than sea-mantics: the legal status of the Caspian Sea // Business Destinations, 22 march 2019. URL: <https://www.businessdestinations.com/destinations/more-than-sea-manticsthe-legal-status-of-the-caspian-sea/> (дата обращения: 5.04.2021).

море // Известия. – 25 – .2002 апреля.

6. Гушер А. Спор обостряется // ААС. – № – .2001 12.

7. Дополнительный протокол к Договору об установлении длительного взаимного согласия между СССР и Великобританией при решении послевоенных вопросов и об их совместных действиях по обеспечению взаимной безопасности после окончания войны с Германией. Документ № 73. // Хохлышева О.О. Проблемы войны и мира в XX в. Хрестоматия. Т. 4. – Нижний Новгород, 2000.

8. Заявления глав государств – участников IV Каспийского саммита. URL: <http://www.kremlin.ru.transports/2015.15.12> 46689).

9. Игнатова М. Полный штиль. Иранцы и азербайджанцы напугали "Бритиш петролеум" // Известия. – 25 – .2001 июля.

10. Из трактата, заключенного с Эшрефом в Реште 13 зоны февраля 1729 г. // Новая история Ирана. Хрестоматия. – М., 1988.

11. Из трактата, заключенного в Туркманчае 10 февраля 1828 г. // Хрестоматия по новой истории. Т. 2. – М., 1965.

12. Из Особого акта, заключенного в Туркманчае 10 февраля 1828 г. // Хрестоматия по новой истории. Т. 2. – М., 1965.

13. Ильин Г. Вспомнили 1949 гол. Гейдар Алиев попросил Иран больше не «бряцать оружием» на Каспии // Известия. – 30 – .2001 августа.

14. Иран не намерен ждать // Известия. 28 .2002 февраля.

15. Каспийский вопрос: затянувшееся решение. URL: <http://navoine.info/caspian-dec.html> (13.08.2015).

16. Коммюнике Пятого Каспийского саммита. URL: <http://www.kremlin.ru/supplement/5330> (дата обращения: 9.11.2021).

17. Малышева Д. Каспийский вектор ирано-русского взаимодействия // Иранский



مؤسسه مطالعات راهبردی و دیپلماسی دفاعی
Institute of strategic studies
and defence diplomacy (ISSDD)

آدرس: تهران / سید خندان / خیابان شهید کابلی (دبستان)
ساختمان ولی امر (عج) / طبقه دهم / انتشارات مؤسسه مطالعات راهبردی و دیپلماسی دفاعی
info@issdd.ir - ۰۲۱-۸۸۴۶۹۳۲۶